

تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از

دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای

(مطالعه محلات شهر اصفهان)

ثریا معمار*

چکیده

امروزه توسعه و برنامه‌ریزی بر مبنای محلات شهر در مرکز توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار دارد. این امر مستلزم درک نیازها و خواسته‌های شهروندان از محیط زندگی‌شان است. این مطالعه درصدد است با شناخت نیازهای ساکنان محلات شهری، زمینه برنامه‌ریزی هماهنگ میان محیط زندگی و نیازهای اجتماعی شهروندان را فراهم سازد و از این طریق کیفیت زندگی اجتماعات محلی را ارتقا بخشد. شهر اصفهان با ساختار محله‌ای و اهمیت ویژه در ایران، به‌عنوان زمینه مطالعه تحقیق انتخاب شد. هدف این مطالعه، ارائه مدلی برای سنجش نیازهای ساکنان در یک اجتماع محلی است. بدین منظور، ضمن مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای، با استفاده از روش پیمایش، دیدگاه‌های مردم اصفهان در مورد نیازهای کالبدی و اجتماعی و سلسله‌مراتب آن به دست آمد. اطلاعات به دست آمده از طریق تحلیل عاملی در هشت عامل خلاصه شد. نتایج حاصل از کاربرد آزمون فریدمن نشان داد در سطح اجتماع محلی مهم‌ترین نیاز مردم ایجاد تعاملات اجتماعی با دیگران است که پس از آن به ترتیب، نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی، نیاز به اقدامات زیربنایی و تأسیساتی، نیاز به بهداشت و سلامتی محله، نیاز به مشارکت در اداره محله، نیاز به مراکز مناسب خرید و وسایل حمل و نقل عمومی، نیاز به امنیت و نیاز به تعلق به محله قرار دارند. در کل، نتایج نشان می‌دهد ایجاد فضاهای عمومی به‌عنوان بستری

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان aryana.anahita.anahita@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۳۰

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۷-۱۳۳

برای تعاملات اجتماعی یک درخواست مبرم است. مدل نیازهای اجتماع محلی ویژگی‌های اجتماعی کالبدی محلات شهر اصفهان را روشن می‌کند و از آن می‌توان برای توسعه و برنامه‌ریزی دیگر شهرهای ایران نیز بهره گرفت.

کلیدواژه‌ها: اجتماع محله‌ای، توسعه پایدار محله‌ای، محله، نیازهای اجتماعی، نیازهای کالبدی.

مقدمه و طرح مسئله

در سال‌های اخیر، بحث احیای اجتماع محله‌ای مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران واقع شده است. بسیاری بر این باورند که فرآیند گسترش شهرنشینی و مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ، الگوی فضایی شهرها را دستخوش تحولات ناخوشایندی کرده است. از دست رفتن بعد انسانی، فضای شهری و بافت سنتی محله‌ای از جمله پیامدهایی است که به دنبال این مسئله رخ داده است. با از میان رفتن بافت اجتماعات محلی حریم زندگی مردم بدون دفاع رها شده است.

در گذشته، با تقسیم مناطق مسکونی به محله‌های گوناگون، افراد با علایق یا سوابق یکسان در محلات گرد می‌آمدند. تقسیم محلات بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه‌های قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی با مبدأ شهری و روستایی بود. روح جمعی حاکم بر محله، اعضا و ساکنان را به یکدیگر پیوند می‌داد. در پرتو مشترکات درونی، مردم محلات نوعی پیوند نزدیک و علاقه خاص به محله‌شان احساس می‌کردند. مرکز محله مظهر بیشترین تماس‌ها و تجمع افراد محسوب می‌شد. هر محله در تأمین نیازهای خدماتی و اجتماعی دارای نظامی نیمه‌مستقل بود و تمامی خدمات مورد نیاز اهالی را در خود جای می‌داد و بهترین دسترسی‌ها را برای اهالی فراهم می‌کرد. مرکز هر محله همواره فضایی برای تجمع و گذران اوقات فراغت اهالی محل به شمار می‌رفت (باقری، ۱۳۸۸: ۶۷-۷۲).

با ظهور عصر جدید، ساختار و عملکرد محله‌های شهری به‌طور کلی دگرگون شد. شبکه ارتباطی محله‌ها از هم گسیخت و فضای کالبدی و اجتماعی آن رو به تخریب گذاشت، انسجام و تجانس جای خود را به عدم تجانس سپرد، به‌طوری‌که در بسیاری از محله‌ها

جاذبه‌های اسکان بادوام کاهش یافت و توسعه فضایی نامتناسب، آشفتگی را در فضای زندگی گسترش داد.

با تخریب بافت محلی مسکونی در شهرهای ایران، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و بنیان‌های اجتماعی فرو ریخت و شهرهای سنتی هویت خود را از دست دادند. شهرهای سنتی سبک معماری خاص خود را دارند که با مقیاسی انسانی طراحی شده بودند. امروزه بیشتر شهرهای سنتی با توسعه قسمت‌های جدید از هم گسیخته شده‌اند، عناصر شهر قدیمی اغلب ویران شده و به جای آن‌ها ساختمان‌های جدید، بدون رعایت موازین اجتماعی و فرهنگی، ساخته شده است. شهر جدید اغلب هسته شهر سنتی را احاطه کرده و در اطراف آن گسترش می‌یابد. این قسمت‌ها به شدت با شهر قدیمی در تضاد است. مجتمع‌های مسکونی اغلب آپارتمانی‌اند و لزوماً با اقلیم گرم و خشک فلات ایران تناسب ندارند و با نیازهای فرهنگی محلی نیز ناسازگار هستند (خیرآبادی، ۱۳۷۰: ۱۱۶-۱۱۷).

پژوهش‌های انجام شده، از جمله مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای، که در چند مجلد به زیور طبع آراسته و از طرف شهرداری تهران منتشر شده است، نشان می‌دهد اجتماعات محلی موجود مشکلات متعددی دارند و از خصوصیات ضروری یک اجتماع پویا برخوردار نیستند. بسیاری از محله‌های موجود دچار اختلال در روابط اجتماعی، ضعف در احساس تعلق به مکان، کاهش ارتباط با همسایگان، فقدان فضاهای فراغتی و محیطی مناسب هستند. این فضاها اغلب ناکافی‌اند، توزیع آن‌ها ناعادلانه است و کمبودهایی برای برطرف کردن نیازهای مردم دارند. رویکرد جدید توسعه اجتماع محله‌ای با داعیه بازسازی و تقویت و بازگشت به فضای مفهومی محله از سوی معماران، طراحان شهری و جامعه‌شناسان شهری، در دهه‌های اخیر به مطالعه و بررسی این مسئله می‌پردازد. این دسته از نظریه‌پردازان، برنامه‌ریزان و محققان شهری می‌کوشند با تقویت اجتماعات محلی، فضای شهری را در مقابل آسیب‌های اجتماعی مصون سازند. فضای کالبدی و اجتماعی اجتماعات محلی برای آنکه بتواند کارکرد مناسب خود را جهت تقویت اسکان ساکنان، به‌عنوان یک فضای اجتماعی - فرهنگی داشته باشد، نیازمند آن است که با توقعات و انتظارات اهالی متناسب باشد. به منظور ارتقای کیفیت زندگی در اجتماعات محلی و بهبود وضعیت موجود توجه به خواسته‌های مردمی که در اجتماعات محلی زندگی می‌کنند ضروری است. محور اساسی این مقاله تحلیل نیازهای یک

اجتماع محلی از دیدگاه ساکنان آن است. هدف این مطالعه، ارائه مدلی برای سنجش نیازهای ساکنان محلات جهت برنامه‌ریزی در مقیاس محلی است که کاملاً کاربردی است و امیدواریم بتواند در حل مشکلات محلات شهری برنامه‌ریزان را یاری کند. این مدل در شهر اصفهان آزمون گردید.

پیشینه تحقیق

درباره نیازهای ساکنان محلات شهر اصفهان مطالعه مستقلی صورت نگرفته است، اما دریاب توسعه پایدار محله‌ای پژوهش‌های مفصلی صورت گرفته است که به دو سطح نظری و تجربی تقسیم می‌شود.

الف) در سطح نظری محققان به طرح مباحث نظری درباره موضوعاتی چون مدیریت محله‌ای، توسعه پایدار محله‌ای، مشارکت مردمی، رابطه فضا و ساختارهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی محلات پرداخته‌اند.

محقّر و شفیع‌ی در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت محلی و توسعه پایدار محلی شهری» مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار شهری بررسی کرده‌اند (محقّر و شفیع‌ی، ۱۳۸۳: ۴۷).

فهیمی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «تهیه طرح‌های اجتماعی فضایی، روشی در بازسازی و نوسازی پایدار محلات شهری» جایگاه محله‌ها را در ساختار شهرهای معاصر ایرانی بررسی می‌کند و ضمن دسته‌بندی کالبدی و ساختاری محلات، ویژگی‌ها و نیازهای خاص آن‌ها را در فرآیند تحول بیان می‌نماید (فهیمی‌زاده، ۱۳۸۰).

بیگدلی در مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت‌های مردمی در تحقق مدیریت محلی در منطقه ۲۰ تهران» سعی کرده است با توجه به مفهوم مشارکت و انواع آن، نقش محوری شورایاری‌ها را به عنوان محوری‌ترین تشکل مردمی در اداره امور شهری در تحقق مدیریت و توسعه محلی در منطقه ۲۰ تهران موشکافی و تشریح کند (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۶۷).

علایی در مقاله‌ای تحت عنوان «تشکیل شوراهای محله‌ای راهی برای حل مشکلات شهری» بر اهمیت و ضرورت استفاده از توانمندی‌های ساکنان محله‌ها به عنوان راه‌حل اصولی برای رفع مشکلات زندگی شهری تأکید می‌کند (علایی، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

اسماعیل شیعه در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه محله‌های تهران با معیارهای یک محله پایدار» از نظرگاه شهرسازی معیار یک محله پایدار را از دیدگاه اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی، اقتصادی و کالبدی بررسی می‌کند (شیعه، ۱۳۸۰: ۱).

موسوی در مطالعه‌ای تحت عنوان «بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماع محله‌ای» به بررسی طرح‌های بازسازی محله‌های توسعه‌نیافته شهری می‌پردازد. وی ضمن واکاوی موضوع بازسازی محله‌های توسعه‌نیافته چگونگی استفاده از رویکرد توسعه اجتماع محله‌ای و ابعاد اصلی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد (موسوی، ۱۳۸۷).

مطلبی در مطالعه‌ای تحت عنوان «رویکردی انسانی به توسعه پایدار محله‌ای» به تطبیق مدل نیازهای انسانی با توسعه پایدار محله‌ای می‌پردازد. ایده اصلی مقاله آن است که توجه به نیازهای انسانی ما را در جهت دستیابی به محیطی پایدار هدایت می‌کند (مطلبی، ۱۳۸۸: ۹۲). در سطح تجربی محققان تحقیقات خود را در مورد موضوعاتی چون میزان تعلق به محله، سرمایه اجتماعی محله و رابطه فضا با تعاملات اجتماعی با استفاده از روش پیمایش مورد سنجش قرار داده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

رفیع‌زاده در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی میزان تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکن در محلات تهران» به بررسی احساس تعلق به محله در میان گروه‌های سنی مختلف پرداخته است (رفیع‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

تولایی در مقاله‌ای تحت عنوان «فضاهای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی» به بررسی خصوصیات کالبدی فضاهای شهری و آثار آن بر روابط اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۷).

رفعیان در مقاله‌ای تحت عنوان «فضاهای شهری و باز تولید فرهنگی جامعه» با تأکید بر فضاهای شهری تهران، ضمن بیان نحوه و نوع نگرش به فضای شهری، اهمیت فضا را در تقویت یا تضعیف نظام همبستگی اجتماعی بیان می‌کند (رفعیان، ۱۳۸۰: ۳۵).

ذکایی و روشن‌فکر در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری» در سطح تحلیل خرد و کلان عوامل مؤثر بر تغییر سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهری را بررسی کرده‌اند (ذکایی و روشن‌فکر، ۱۳۸۳: ۶۱).

ملاحظه‌ای در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه اجتماعی در سطح محله» به بررسی شبکه‌های اجتماعی و ساختاری پیوندهای اجتماعی در درون محلات می‌پردازد (ملاحسنی، ۱۳۸۳: ۹۵).
قرایی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی»، خصوصیات کالبدی محله را که می‌تواند در تقویت روابط اجتماعی مؤثر باشد با استفاده از مطالعه میدانی در مورد شرایط ایران مورد آزمون قرار می‌دهد (قرایی، ۱۳۸۰: ۱۱).
خاک‌پور و دیگران در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای» رابطه میان پایداری محله از دیدگاه ساکنان را با میزان سرمایه اجتماعی آنان مطالعه کردند. هرچند فرضیه اصلی پژوهشگران تأیید نشده، آنان با توجه به مشاهدات به دست آمده این نکته را بیان کردند که می‌توان با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله دست یافت. به عبارت دیگر، دستیابی به پایداری در توسعه محله‌ای بدون توجه به پتانسیل‌های نهادی و انسانی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فردی و گروهی قابل اجرا نیست (خاک‌پور، ۱۳۸۸: ۵۸).

ویژگی مشترک مطالعات انجام شده آن است که چه در سطح نظری و چه در سطح تجربی به بعدی از ابعاد توسعه محله‌ای پایدار توجه کرده‌اند. مقاله در مبحث نیازهای اجتماع محلی از اهمیت خاصی برخوردار است. این مطالعه ضمن استفاده از منابع مذکور و الهام از مدل مازلو، سعی در رسیدن به مدل نیازها در سطح اجتماع محلی از زاویه جامعه‌شناسی دارد که در هیچ‌یک از مطالعات مذکور به‌طور جامع به آن توجه نشده است.

ادبیات نظری

تأکید بر برنامه‌ریزی‌های کلان و نخبه‌گرا، که از سوی کارشناسان با رویکرد عمرانی و اقتصادی صورت می‌گرفت، موجب غفلت از مسائل اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها شد. شکست این برنامه‌ریزی‌ها و پیامدهای آن باعث رواج مفهوم توسعه پایدار محله‌ای گردید. جنبش توسعه محله‌ای با شعار «کوچک زیباست» برنامه‌ریزی را از خردترین واحد آغاز می‌کند. این جنبش در چارچوب توسعه پایدار شهری، محله‌ها را سلول‌های شهری دانسته، آن‌ها را واحد برنامه‌ریزی قرار داده و در جهت اهداف اجتماعی، از ظرفیت‌های موجود در محله بهره می‌برد. رویکرد محله‌محور به‌جای نگرش کلان‌نگر و مقیاس‌های ذهنی، با رجوع

به واقعیات عینی و در مقیاس خرد محلی به سیاست‌گذاری از پایین به بالا می‌پردازد. این رویکرد در پی شناخت توانایی‌ها و ویژگی‌های محله‌های شهری است و با توانمندسازی ساکنان محلات به حل مشکلات آنان می‌پردازد. این دیدگاه به سرعت مورد پذیرش همگان قرار گرفت؛ به طوری که یونسکو در هزاره سوم اهداف توسعه را حول محور افزایش ظرفیت اجتماعات کوچک قرار داد. در حال حاضر، تأکید بر اجتماعات کوچک (محله‌ها) برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای هر کشور در صدر برنامه‌ریزی‌ها قرار دارد. توسعه محله‌ای فرآیندی است که در آن تغییر در محله به واسطه مداخله ساکنان از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی با مردم، نه برای آن‌ها، عنصر کلیدی توسعه محله‌ای است (احترامی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

اهداف توسعه پایدار محله‌ای

از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای، محله باید بتواند با در نظر گرفتن توان زیست‌محیطی، به نیازهای اقتصادی و اجتماعی ساکنانش پاسخ گوید. توسعه پایدار محله‌ای نوعی تغییر در شیوه‌های مدیریت محلی است که افزایش کنترل محلی مردم را بر تصمیم‌گیری‌ها تشویق می‌کند. در سطح کلان، توسعه اجتماع محلی از طریق توانمندسازی خود برای تصمیم‌گیری، اجرا و حل مسائل و مشکلات و چالش‌هایی که مردم با آن مواجه هستند، سعی در حل مشکلات شهر دارد.

بر اساس دیدگاه توسعه پایدار، توسعه اجتماع محلی بر دو هدف اساسی استوار است:

۱. بهبود ساختار فضایی و هویت بخشی مکانی

۲. بهبود سرمایه اجتماعی در محلات

هدف اصلی این دیدگاه بهبود ساختار فضایی و تقویت هویت مکانی از طریق نهادهای اجتماعی در راستای استفاده از سرمایه اجتماعی است. هویت مکانی فرآیند تعامل انسان و محیط زندگی یا فعالیت‌های انسان‌ها در درون این محیط تلقی می‌گردد.

هدف دوم توسعه محله‌ای افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی است. منظور از سرمایه اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حس تعلق خاطر افراد و گروه‌ها و ارتباط میان شبکه‌های

اجتماعی است. سرمایه اجتماعی محصول ساختار اجتماعی محله است. عنصر اصلی سرمایه اجتماعی ارتباط و اعتماد بین عناصر جامعه، یعنی افراد و گروه‌هاست.

هدف نهایی توسعه پایدار محله‌ای ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است. بدین معنی که از فرآیندهای اجتماعی به منظور بهبود هویت و ساختار کالبدی و ایجاد ظرفیت برای توسعه‌های آتی استفاده می‌گردد. ترکیب این دو جنبه با به‌کارگیری عناصر شاخص هویت‌دهنده به مکان و مأنوس شدن سکنة جدید با محله از طریق بالا بردن خوانایی^۱ سیمای آن، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به‌عنوان یک مجموعه، و تأمین فضای مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی و برگزاری اجتماعات محله‌ای و ایجاد نزدیکی و پیوند و امکان تبادل آرا و نظرات در میان ساکنان یک محدوده در قالب فضاهای باز محلی، فضاهای فرهنگی و تفریحی و... می‌تواند سبب تحقق اهداف توسعه محله‌ای پایدار گردد (هودستی، ۱۳۸۴: ۵۶).

پایداری

پایداری جریانی چندبعدی است که ضمن بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد رفاه همگانی توأم با عدالت اجتماعی از آثار مخرب زیست‌محیطی و ناهنجاری‌های اجتماعی به دور است و در حالی که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌سازد، مراقبت از ظرفیت و امکانات برآورده‌سازی نیازهای نسل آینده را نیز، با توجه به حفظ و بهبود محیط‌زیست، در نظر دارد. برای ایجاد سکونتگاه پایدار، بالا بردن کیفیت زندگی، تأمین عدالت، نظارت اجتماعی، تقویت روحیه تعاون و مشارکت فعال مطرح می‌گردد. در شهر پایدار حس تعلق به مکان ایجاد شده افزایش می‌یابد (حبیب، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

احمد موسوی در ارائه شاخصی برای سنجش پایداری اجتماع محلی مقوله‌های زیر را پیشنهاد کرده است: فضای سبز موجود در محله، امکانات تفریحی جهت گذران اوقات

^۱ در ادبیات معماری خوانایی به معنای آن است که محیط ساختاری تصویرپذیر (قابل تصور) داشته باشد (پرتوی، ۱۳۸۳: ۲۷۲؛ مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

فراغت، نظافت و پاکیزگی، احساس امنیت، امکان دسترسی به وسائل حمل و نقل عمومی، امکان خرید آسان نیازهای روزانه، نبودن سروصدا در سطح محله، نبودن آلودگی هوا، ترافیک و تردد ماشین‌ها در سطح محله، وجود امکانات ورزشی، روشنایی در شب، مصونیت از رفت و آمد خودروها، عرض پیاده‌روها، کانال‌های دفع آب‌های ناشی از بارندگی، نمای ساختمان‌ها، نبودن ساختمان‌های بلااستفاده (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵).

به‌طور کلی، محله پایدار با در نظر گرفتن توان زیست‌محیطی به نیازهای اقتصادی اجتماعی ساکنانش پاسخ می‌گوید. توسعه پایدار در مقیاس محله‌ای به معنای ارتقای کیفیت زندگی در شهر شامل همه ابعاد زیست‌محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی است، بدون ایجاد مانعی برای استفاده نسل آینده (هودستی، ۱۳۸۴).

توسعه پایدار محله‌ای را می‌توان به‌عنوان تغییری در شیوه‌های مدیریت محلی، که به پایداری زیست‌محیطی در سطح جهان و در عین حال محیط زیست طبیعی و مصنوعی محلی نیز کمک می‌کند، تبیین نمود. توسعه پایدار افزایش کنترل محلی را بر تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار می‌دهد و تشویق می‌کند. چنین استراتژی توسعه‌ای نیازمند تفویض اختیار در تصمیم‌گیری تا سطح محلی است (هودستی، ۱۳۸۴: ۲۱). برخی از اصول شهر و محلات پایدار عبارت‌اند از ایجاد واحدهای همسایگی که زندگی جمعی توأم با مشارکت را تشویق کنند؛ وجود آزادی انتخاب در بیشترین قسمت‌های آن؛ ایجاد محیط‌های فیزیکی زیبا؛ چند مرکزی بودن با مقیاس حرکت پیاده با پس‌زمینه‌ای از بناهای یادمانی؛ فضاهای جمعی که در آن اتومبیل‌ها بیشتر وسائل آسایش تلقی شوند تا ملزومات زندگی و آمدوشد؛ توجه به اختلاط اجتماعی و فرهنگی و جلوگیری از ایجاد محله‌های بسته^۱ اجتماعی (پرتوی، ۱۳۸۸: ۲۷۷).

نمونه آرمانی محله

اجتماعات محله‌ای سلول‌های سازنده شهرها هستند. در گذشته، شهرها دارای هویت محله‌ای قوی‌تری بوده‌اند، اما به تدریج با گسترش صنعت، شکل محله‌ها و ویژگی‌های جامعه‌شناختی آن‌ها دستخوش تغییر گردید. طبقاتی شدن شهرها و مشکلات ناشی از استقرار صنعت، آلودگی هوا و فقر باعث شد محققان به گسترش فضای سبز و فضای باز شهری و تقویت انسجام

^۱ Ghetto

کالبدی و اجتماعی در سطح محلی توجه کنند. در جدول ۱ دیدگاه‌های دانشمندان مختلف درباره ویژگی‌های آرمانی اجتماع محلی به‌طور خلاصه آمده است.

جدول ۱. خلاصه ویژگی‌های آرمانی محله از دیدگاه صاحب‌نظران

پاتریک گودس	توجه به فضای سبز، تقویت ارتباط ساکنان با طبیعت، تشخیص بخشیدن به بعد اجتماعی و کالبدی محلات
هاوارد	کاهش مضرات زندگی صنعتی ناشی از تراکم کار و فعالیت از طریق گسترش فضای سبز
گلمرنس پری	تقویت روابط همسایگی در محله‌ها
اشتاین، رایت، واگنر، گودمن	حفظ واحدهای محله‌ای در برابر عوارض شهرنشینی، مرکزیت بخشیدن به محله‌ها در برنامه‌ریزی‌ها، تأمین نیازمندی‌های عمومی، وجود فضای باز و سبز، ایمنی در رفت و آمد سواره، تأمین مسکن
پرسمن	گسترش فضای سبز در مقیاس محلی، مرمت و گسترش مسیرهای پیاده‌رو، حفظ طبیعت سالم و زیبا، جلوگیری از گرفتگی مناظر، اعتدال در رفت و آمد سواره، تشویق پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری
وایت	برنامه‌ریزی دقیق برای محله‌ها، توجه به محیط طبیعی محله، حل معضلات اجتماعی محله با تأکید بر مدیریت محله‌ای، پیوند محله با فضای سبز، توجه به ارتفاع و حجم ساختمان‌ها، عدم تراکم ساختمان‌ها در محله‌ها
ویلسون، کالینگ	توجه به سلامتی و بهداشت محله، توجه به محیط زیست سالم، فقدان فقر و تکدی‌گری، کاهش مناظر زشت و بی‌معنا در سطح محله، توجه به وضعیت بی‌خانمان‌ها و برنامه‌ریزی برای رفع جرم و اعتیاد در محله
استرنبرگ	ارتباط مناسب بین محیط کار و محل سکونت، توجه به نیازمندی‌های روزمره مردم، توجه به امنیت در سطح محله، مصونیت از شبکه‌های حمل و نقل، حفظ حریم خصوصی محله، برخورداری از طبیعت سالم (آب روان، هوای پاک، آسمان آبی و فضای سبز)، متعارف بودن تراکم ساختمان‌های مسکونی، توجه به مشارکت مردم در اداره محله از برنامه‌ریزی تا طراحی و اجرا.

برگرفته از استنبرگ، ۱۹۹۷؛ متزر، ۱۹۸۴؛ لگیت، ۲۰۰۰

در تشریح دیدگاه‌هایی که در جدول فوق آمد، می‌توان به این نکات محوری و اساسی پی برد که اجتماع محلی آرمانی باید:

پاسخ‌گوی نیازهای کالبدی و اجتماعی ساکنان آن باشد.

فضای کالبدی اجتماع محلی بایستی دارای ساختاری منسجم باشد.

ساختار فضایی منسجم به معنای رعایت سلسله‌مراتب عملکردی و سلسله‌مراتب دسترسی است. فضای کالبدی مطلوب بایستی میان خواست ساکنان برای خلوت مورد نیاز و خواست ساکنان برای برقراری برخوردها و مشارکت توازن برقرار کند. محیط مسکونی به‌عنوان عامل اصلی گسترش محله و بیانگر شخصیت ساکنان آن عمل کند.

انسجام اجتماع محلی در گرو ارتباطات اجتماعی و صمیمیت محله‌ای است.

آرایش فضایی محله متأثر است از:

نوع واحدهای مسکونی اعم از ویلایی، آپارتمانی و تک‌واحدی

سلسله‌مراتب عرضه‌بندی‌ها و دسترسی به واحدهای مسکونی

موقعیت قرارگیری و فاصله واحدهای مسکونی از یکدیگر و از خدمات عمومی محله

وجود فضاهای حرکتی به‌ویژه پیاده‌رو، میدان و فضاهای باز

وجود فضاهای آموزشی، مذهبی، ورزشی و فضاهای گذراندن اوقات فراغت

(رفیع‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۳۸؛ حبیب، ۱۳۸۰: ۲۳۳).

توسعه پایدار محله‌ای و توسعه انسانی

توجه به انسان در برنامه‌ریزی‌های شهری موجب شد گروهی از مطالعات به مقوله نیازهای انسان گرایش پیدا کنند. گرچه انسان‌ها در شرایط متفاوت فرهنگی زندگی می‌کنند، در بسیاری از نیازها دارای وجوه مشترک هستند. توجه به این نیازهای مشترک و نقش این نیازها در توسعه زندگی جمعی برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا در جهت توسعه پایدار کالبدی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اقتصادی الگوهای مناسبی عرضه کنند. شهر پایدار برای انسان ساخته می‌شود و باید به نیازهای او توجه کند. در رویکرد انسانی به توسعه محله‌ای

ویژگی‌هایی چون توجه به تمامی نیازهای انسان، درون‌زا بودن، مشارکت بهره‌وران، کیفیت محیطی، کیفیت زندگی فردی، جمعی و خواست‌های مردم مدنظر است (مطلبی، ۱۳۸۳: ۹۴).

چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق از ترکیب و تلفیق نظریه توسعه پایدار محله‌ای، نمونه آرمانی اجتماع محلی، مباحث پایداری و مباحث سرمایه اجتماعی به دست آمد. گفتنی است هدف این تحقیق تطبیق نظریه مازلو با توسعه پایدار محله‌ای نبوده است و این نظریه بیشتر به عنوان یک نظریه راهنما مورد استفاده قرار گرفت.

نیازهای اساسی فضای کالبدی

متناظر با نخستین نیاز انسان در مدل مازلو، که نیازهای اساسی است، در فضای کالبدی اجتماع محلی دسترسی به هوا، غذا، نور آفتاب، بهداشت، سلامت، سرپناه و حرکت برای هر انسانی الزامی است. این نیازها برای بقا لازم و ضروری است. توجه به اساسی‌ترین نیازهای انسان در ادبیات شهری آرمان‌گرا قابل مشاهده است. فرانسواز شوای از قول پرودون می‌نویسد: لازم است که فرانسه را به باغی بزرگ و آمیخته به بیشه‌ها تبدیل کنیم. هوا، نور و آب باید بین همگان عادلانه توزیع شود. این نگرش به نیازهای اساسی انسان در الگوی باغ‌شهرهای هاوارد و طرح‌های لوکوربوزیه برای شهرهای مدرن یا واحد همسایگی ماریسی به خوبی ملاحظه می‌گردد. زیرا نور کافی و آب سالم، سلامت انسان را برای بقا تضمین می‌کند. دسترسی به نور آفتاب برای حفظ تعادل در کارکرد اندام‌های بدن اهمیت ویژه‌ای دارد (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

همچنین مسائلی چون «تأسیسات آب، برق، گاز، خدمات بهداشتی، آب و هوای سالم، سیستم منظم پاکروبی در محله، فاضلاب بهداشتی، جمع‌آوری زباله‌های شهر، ایجاد جاذبه‌های محیطی مانند پارک، کتابخانه عمومی، مراکز هنری و فرهنگی» (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد توجه هر برنامه شهری و محله‌ای است. از سوی دیگر، میزان و کیفیت حمل و نقل نیز در سلامت زندگی جمعی و توسعه پایدار محیطی مؤثر است. توجه به حرکت پیاده و ایجاد محیط بدون مانع و مناسب‌سازی مسیرهای خاص جهت استفاده افراد با

توانایی کم، مانند سالخوردگان، کودکان و معلولان می‌تواند در افزایش کیفیت محیط بسیار مؤثر واقع شود (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۲).

نیازهای اجتماعی اجتماع محلی

نیاز به ایمنی و امنیت

متناظر با دومین نیاز در مدل مازلو، در فضای اجتماعی اجتماع محلی نیاز به امنیت مطرح است. در توسعه پایدار محله‌ای نیز امنیت رکن اساسی است. نظام‌بخشی در مناسبات محله‌ای و سازماندهی امکانات جهت بهره‌گیری جمعی برای استفاده همگان نیازمند تأمین امنیت درونی محله‌های شهری است. مراد از امنیت اجتماعی این است که هر فردی در محل زندگی خود و اجتماع محلی احساس آرامش و آسایش کند و با اطمینان خاطر و به دور از نگرانی مشغول زندگی خود باشد (سفیری، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

وجود امنیت در محله موجب حفظ حریم زندگی خانوادگی و رهایی از خطرات و تهدیدهایی است که ساکنان محلات را تهدید می‌کند و زمینه برخورداری از فرصت‌ها و امکانات محله‌ای به شکل منطقی و صحیح را فراهم می‌کند (توسلی، ۱۳۸۳: ۳۵).

نیاز به تعاملات اجتماعی

نیاز به تعاملات اجتماعی از مباحث سرمایه اجتماعی استخراج شد. زندگی سرزنده و پویا در سطح اجتماع محلی، به میزان و شدت روابط اجتماعی میان ساکنان بستگی دارد. همخوانی و هم‌آوایی میان اهالی بر میزان ارضای نیازهای روانی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. الکساندر بر این عقیده است که روابط صمیمانه احساس اجتماع محلی را افزایش می‌دهد. چنین روابطی دو شرط لازم دارد: نخست تماس در سطح غیررسمی برقرار شود، دوم این روابط به‌طور مداوم تکرار شود و به صورت روزانه انجام گیرد. اجتماع محلی فرصتی برای برخوردهای اجتماعی غیررسمی، گفتگو و تعامل میان ساکنان است (قرایی، ۱۳۸۰: ۵).

نیاز به تعلق به محله (هویت محله‌ای)

متناظر با سومین نیاز در مدل مازلو، در فضای اجتماعی اجتماع محلی، نیاز به تعلق به محله مطرح می‌شود. احساس تعلق به محله عنصر اصلی شکل‌بخشی به اجتماع محله‌ای است. هویت محله‌ای به معنای احساس تعلق به یک مای مشترک است. این ما می‌تواند محله، موقعیت، مذهب و غیره باشد. محله یک اجتماع همسایگی است. در اجتماع دو خصلت پیوند و رابطه عاطفی نقش عمده دارند. شناخت پیوندهای میان افراد در اجتماع همسایگی از جمله ابعادی است که باید به آن توجه خاص داشت. از این رو، توجه به مفهوم همسایگی یکی از راه کارهای پاسخ‌گویی به نیاز به وابستگی و تعلق است. در این بعد، به سؤالاتی چون آیا افراد یک محله نسبت به یکدیگر احساس تعلق و تعهد دارند مطرح می‌شود. احساس تعلق به محله بر رفتار و نگرش ساکنان تأثیر دارد. جامعه‌شناسان معمولاً برای سنجش احساس هویت محله‌ای از شاخص‌های زیر مدد می‌گیرند: مردم چقدر درباره محله‌شان اطلاعات دارند؟ مرزهای محله کدام است؟ نام محله چیست؟ اعضای محله چه احساسی درباره مکان زندگی‌شان دارند؟ آیا از خدمات محله راضی هستند؟

ایجاد حس هویت محله‌ای با به‌کارگیری عوامل هویت‌دهنده و ایجاد علاقه در بین ساکنان جدید نسبت به محله، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به‌عنوان یک مجموعه، تأمین فضاهای مناسب جهت برگزاری اجتماعات و ایجاد نزدیکی و پیوند بین اهالی در قالب فضاهای باز محله‌ای می‌تواند ذیل برنامه‌های بازسازی محلات قرار گیرد. طراحی برای ساکنان محله در جهت رؤیت در فضا و قابلیت انعطاف بافت محله در مقابل تغییرات آینده نقش مهمی در ایجاد هویت محله‌ای دارد. مجموعه‌های باز و قابل دسترسی و دارای پیوند با مجموعه‌های دیگر مانند فضاهای آموزشی، ورزشی، تفریحی، مذهبی و فرهنگی در مقیاس محلی هویت‌بخشی به محله را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، وحدت ظاهری و یکپارچگی و انسجام در بافت و ساختار کلی محلات، انسجام اجتماعی در محله را فراهم می‌کند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

نیاز به مشارکت در اداره محله

متناظر با چهارمین و پنجمین نیاز در مدل مازلو در سطح اجتماع محلی، نیاز به مشارکت در ادارهٔ محله مطرح می‌شود. نیاز به احترام و خودشکوفایی در سطح اجتماعی محله از طریق مشارکت فعال مردم برآورده می‌شود. مشارکت مردم در امور محلی متأثر از نیاز آنان به تعلق و احترام و خودشکوفایی است. انسان خودشکوفایی سعی در تغییر قابلیت‌های محیطی برای رفع نیازهای خویش دارد و از نظر اجتماعی روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر دارد. از این رو، مردم هر اجتماع محلی می‌توانند با مشارکت یکدیگر در سطوح مختلف نیازهای خویش را برطرف کنند (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

در سطح اجتماعی، توسعهٔ محله‌ای نیازمند ملاقات‌های عمومی مردم و مسئولان و پژوهش در مورد مسائل آن‌ها از طریق مشاوران و درخواست از آنان جهت مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی است (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

تداوم و بقای محله بر مبنای مشارکت داوطلبانه و خودیارانهٔ ساکنان در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی محله امکان‌پذیر است. این مشارکت نیازمند اقدامات فعال شهروندان و مشارکت داوطلبانهٔ مردم برای حل مشکلات محله به صورت جمعی و ارتباط مستمر و پیگیر آن‌ها با سازمان‌ها و نهادهای دولتی است.

مشارکت اجتماعی ساکنان برای حل مسائل محلات و نوع واکنش به آن دارای اهمیت است. در کشورهای پیشرفته یکی از نهادهایی که معمولاً در محله‌ها وجود دارند انجمن‌های داوطلبانه است. انجمن‌های داوطلبانه سازمان‌هایی هستند که افراد به آسانی و به صورت اختیاری و آگاهانه به آن‌ها می‌پیوندند. برخی از انجمن‌ها دارای دفاتر رسمی، انتخابات، قوانین، گردهمایی‌ها، خزانه‌داری و غیره هستند. این دسته از انجمن‌ها می‌کوشند شرایط مناطق مسکونی‌شان را از طریق تسریع روند نوسازی ساختمان‌های قدیمی‌تر یا اعمال نفوذ در بانک‌ها و سازمان‌های مالی که در منطقهٔ مسکونی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند بهبود بخشند. بیشتر این انجمن‌ها به اهدافی چون بهبود وضعیت مدارس، زمین بازی و اجرای قوانین می‌پردازند. در بیشتر موارد انجمن‌های داوطلبانهٔ محلی با دولت و سازمان‌های اداری - تجاری همکاری دارند. در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه، مسئلهٔ مشارکت در امور محلی دچار مشکل است. به همین دلیل، یکی از اهداف توسعهٔ این کشورها

گسترش، تقویت و ترغیب مردم در مشارکت برای اداره محله‌هاست. بنابراین، نیاز به مشارکت در اداره اجتماع محلی جدی است.

مدل نظری

مدل نظری این تحقیق نیازهای اجتماع محلی را در دو بعد کالبدی و اجتماعی سطح‌بندی می‌کند. لایه‌بندی نیازها موجب می‌شود برنامه‌ریز شهری بتواند اولویت‌ها را تشخیص دهد و پاسخ‌گویی به نیازها را سرلوحه کار خویش قرار دهد. نیازهایی که لازم است برنامه‌ریز به آن بیندیشد تا بتواند یک اجتماع محلی پایدار و توسعه‌یافته را طراحی کند یا بازسازی اجتماع محلی را بر آن استوار کند، تحت دو عنوان نیازهای سطح اول (نیازهای کالبدی) و نیازهای سطح دوم (نیازهای اجتماعی) تقسیم شد.

بر پایه مدل مذکور، ضروری‌ترین نیازهای اجتماع محلی برای دوام و تقویت حیات کالبدی و اجتماعی آن به قرار زیر است:

لایه‌بندی نیازهای کالبدی

گام اول: در پایین‌ترین سطح هرم نیازهای اجتماع محلی، ضروری‌ترین نیازها به ترتیب اولویت و اهمیت نیازهای تأسیساتی و زیربنایی است (مانند تأمین آب، برق، گاز، فاضلاب، آسفالت، روشنایی معابر، اصلاح پیاده‌رو).

گام دوم: برطرف کردن نیازهای بهداشتی و سلامت محله، مانند آب روان، هوای پاک، پاکیزگی و تمیزی معابر، بردن زباله، فقدان آلودگی صوتی و آلودگی هوا باید مدنظر قرار گیرد.

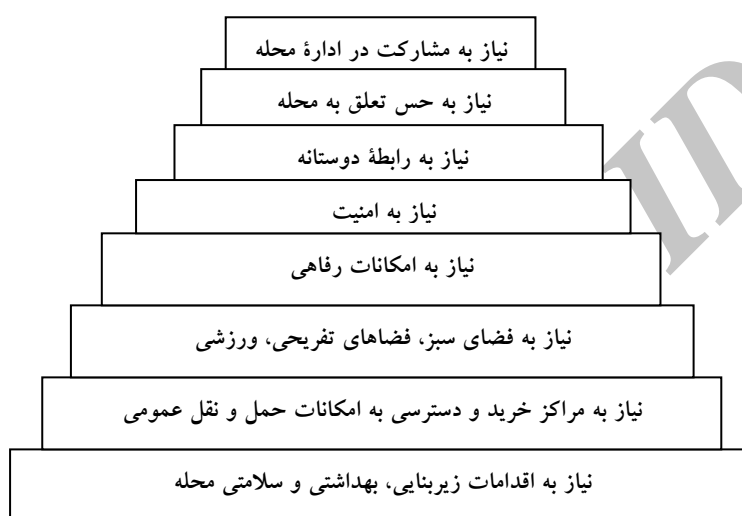
گام سوم: نیاز به مراکز مناسب خرید و دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی.

گام چهارم: نیاز به فضای سبز، فضاهای تفریحی، ورزشی.

گام پنجم: نیاز به احداث کتابخانه، فرهنگسرا و سالن اجتماعات که نقطه اوج نیازهای کالبدی است.

لایه‌بندی نیازهای اجتماعی

گام اول: نیاز به امنیت که ضروری‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیاز اجتماعی است.
گام دوم: نیاز به تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر.
گام سوم: نیاز به احساس تعلق به اجتماع محله‌ای.
گام چهارم: نیاز به مشارکت در اداره اجتماع محلی.
چنان‌که ملاحظه می‌شود در سطح اجتماعی، ضروری‌ترین نیاز، نیاز به امنیت، پس از آن نیاز به تعاملات اجتماعی، سپس نیاز به احساس تعلق به محله و در بالاترین سطح نیاز به مشارکت در اداره محله در نظر گرفته شده است.



مدل: نگارنده

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه پیمایش بوده است. همچنین از مصاحبه‌های عمیق با شهرداران مناطق سیزده‌گانه شهر اصفهان برای تدوین پرسش‌نامه و آشنایی با مشکلات و نیازهای محلات استفاده شد.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۵ سال ساکن محلات اصفهان در سال ۱۳۸۷ بودند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری مختلط یعنی طبقاتی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. در مرحله نخست، مناطق سیزده‌گانه شهرداری اصفهان به عنوان طبقات در نظر گرفته شدند، حجم نمونه در این مرحله متناسب با حجم جمعیت مناطق بود. در مرحله دوم، از هر منطقه دو محله به تصادف انتخاب شدند. با توجه به اینکه اطلاعاتی از جمعیت محله‌ها در دست نبود، نمونه‌ها به نسبت مساوی به هر محله اختصاص یافت. شماره محله‌ها براساس نقشه محله که شهرداری اصفهان در اختیار محقق قرار داد تعیین شد. در مرحله سوم، محله انتخاب و به چهار قسمت شمال غرب و شمال شرق و جنوب غرب و جنوب شرق تقسیم و یکی از این قسمت‌ها به تصادف انتخاب شد. در مرحله پنجم، از بلوک‌های انتخاب شده با استفاده از نمونه‌گیری سیستماتیک تعدادی منزل انتخاب گردید. در مرحله ششم فرد پاسخ‌گو در هر منزل به تصادف انتخاب شد. در مجموع، ۲۶۰۰ پرسش‌نامه تکمیل شد که برای تمامی مقاصد آماری کفایت می‌کرد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه همراه با مصاحبه بوده است. با مراجعه به منازل افراد نمونه و قرار قبلی، پرسش‌نامه توسط پرسشگر یا در صورت توجیه پاسخگو یا عدم حضور او در ساعات مراجعه توسط خود پاسخگو پر و سپس تحویل گرفته شد. برای تحویل پرسش‌نامه‌ها تا سه بار مراجعه صورت گرفته است.

متغیر و معرف‌های تحقیق

متغیر اصلی در این تحقیق نیازهای ساکنان در محلات بوده است که از شاخص‌های زیر برای سنجش آن استفاده شد.

شاخص‌های سنجش نیازهای کالبدی محله (نیازهای سطح اول)

مسائل زیربنایی و تأسیساتی مانند آسفالت معابر، لایروبی مادی‌ها، روشنایی معابر، تأمین آب، برق، گاز و پیاده‌رو مناسب و...؛

بهداشت و سلامتی محله، هوای سالم، آب سالم، تمیزی معابر؛

دسترسی به مراکز خرید مناسب و دسترسی به امکانات حمل و نقل عمومی؛

دسترسی به فضای سبز و پارک‌ها، فضاهای تفریحی و ورزشی در مقیاس محله‌ای؛

دسترسی به امکانات رفاهی چون سالن اجتماعات، فرهنگسرا، کتابخانه، سالن مطالعه؛

شاخص‌های سنجش نیازهای اجتماعی (نیازهای سطح دوم)

امنیت: رها بودن جوانان و نوجوانان در محله، از بین رفتن حریم خصوصی محله، حضور اراذل و اوباش در محله، فروش و مصرف مواد مخدر؛

تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر: صحبت و تعارفات روزانه، قرض دادن و قرض گرفتن ابزار و وسائل، رفت و آمد به منازل همسایه‌ها، نگهداری از بچه‌های همسایه در مواقع ضروری، خرید یا مسجد رفتن با یکدیگر، بازی کردن فرزندان با یکدیگر؛

احساس تعلق به محله (هویت محله‌ای)، اعتماد به همسایه‌ها، احساس افتخار به محل زندگی، احساس مسئولیت نسبت به محله، دوست داشتن محله، دانستن اسم محله؛

مشارکت در اداره محله: حل مشکلات محله از طریق معتمدان محله، شرکت در جلسات گروهی، شرکت در مراسم دسته‌جمعی محلی.

روش محاسبه پایایی شاخص‌های پرسش‌نامه

با استفاده از آزمون کرونباخ کلیه شاخص‌های پرسش‌نامه آزمون گردید که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۲. آزمون کرونباخ کلیه شاخص‌های پرسش‌نامه

نیازها	مؤلفه‌ها	تعداد مؤلفه	آلفای کرونباخ
نیازهای کالبدی محله	نیازهای زیربنایی - تأسیساتی	۳	۰/۸۰۳
	بهداشت و سلامتی محله	۴	۰/۷۸۵
	مراکز مناسب خرید و دسترسی به وسائل حمل و نقل	۲	۰/۸۰۶
	امکانات و تسهیلات محله‌ای	۶	۰/۸۷۹
نیازهای اجتماعی محله	امنیت	۵	۰/۷۷۴
	تعاملات اجتماعی	۶	۰/۷۷۶
	احساس تعلق به محله (هویت محله‌ای)	۴	۰/۷۷۴
	مشارکت در اداره محله	۳	۰/۵۱۵

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های کلی پاسخ‌گویان

- از ۲۶۰۰ نفر پاسخ‌گو، ۵۳/۶ درصد زن و ۴۶/۲ درصد مرد بوده‌اند.
- از کل پاسخ‌گویان ۷۳/۹ درصد دیپلم و پایین‌تر، ۱۰/۹ درصد فوق دیپلم، ۱۲/۵ درصد لیسانس، ۱/۷ درصد فوق لیسانس، ۰/۶ درصد دکتری بوده‌اند.
- از کل پاسخ‌گویان ۳/۹ درصد منزلت شغلی عالی، ۳/۴ درصد منزلت شغلی خوب، ۸۵/۹ درصد منزلت شغلی متوسط، ۴/۳ درصد منزلت شغلی پایین، ۰/۴ درصد منزلت شغلی خیلی پایین داشته‌اند.

- میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۶/۶ سال است.

- میانگین مدت اقامت در محل زندگی ۱۳/۵ سال است.

- از کل پاسخ‌گویان ۷۵/۲ درصد اصفهانی، ۲۴/۴ درصد غیراصفهانی بوده‌اند.

- از کل پاسخ‌گویان ۷۱/۵ درصد مالک و ۲۸ درصد مستأجر بوده‌اند.

تحلیل عاملی

در این تحقیق بر روی شاخص‌های نیازهای ساکنان تحلیل عاملی انجام شد. مقادیر ویژه و کل واریانس توضیح داده شده نشان داد که هشت عامل به ترتیب به نام امکانات و تسهیلات، تعاملات اجتماعی، امنیت، احساس تعلق به محله، بهداشت و سلامتی محله، مشارکت در اداره محله، اقدامات زیربنایی و مراکز خرید و امکانات حمل و نقل عمومی سازنده متغیر اصلی نیازهای ساکنان محلات بوده‌اند. آزمون بارتلت با معیار کایزر معادل ۰/۸۴۰ و معنی‌دار بوده است. این امر حاکی از اعتبار این آزمون است. تحلیل عاملی انجام شده کاملاً با شاخص‌بندی محقق با توجه به مطالعات اسنادی هماهنگ بود که نتایج آن آورده می‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی نیازهای محلات شهر اصفهان

موضوع	امکانات ۱	روابط ۲	امنیت ۳	تعلق به محله ۴	بهداشت و سلامتی ۵	مشارکت ۶	اقدامات زیربنایی ۷	مراکز خرید و حمل و نقل
سالن مطالعه	۰/۸۸۷							
کتابخانه	۰/۷۶۷							
فرهنگسرا	۰/۸۳۸							
سالن اجتماعات	۰/۸۰۸							
فضای تفریحی	۰/۷۳۵							
سالن ورزشی	۰/۷۲۸							
رفت و آمد با همسایه		۰/۷۵۹						
قرض دادن و گرفتن		۰/۷۵۴						
نگهداری از فرزندان همسایه		۰/۷۸۳						
خرید و مسجد رفتن باهم		۰/۶۶۵						
بازی فرزندان		۰/۶۶۱						
صحبت و تعارفات روزانه		۰/۶۶۴						
فروش و مصرف مواد مخدر			۰/۸۴۴					
رها بودن جوانان در محله			۰/۷۴۸					
از بین رفتن حریم خصوصی			۰/۶۴۱					
پوشش نامناسب			۰/۵۶۶					
احساس افتخار به محله				۰/۸۶۲				
علاقه به محله				۰/۸۶۰				
احساس مسئولیت نسبت به محله				۰/۷۴۲				
اعتماد به همسایه‌ها				۰/۶۱۵				
ترافیک و شلوغی					۰/۷۷۱			
تبدیل کوچه به محل عبور اتوموبیل					۰/۷۴۶			
آلودگی هوا، آلودگی صوتی					۰/۶۶۸			
فقدان پیاده‌رو					۰/۶۵۳			
شرکت در جلسات گروهی						۰/۷۴۲		
شرکت در جلسات دسته جمعی محلی						۰/۷۱۸		

حل مشکلات با معتمدان محله						۰/۶۶۹		
ضعف در جدول‌بندی و روشنایی معابر							۰/۷۸۷	
کثیفی معابر							۰/۶۶۰	
مراکز مناسب خرید								۰/۷۷۹
امکانات حمل و نقل عمومی								۰/۷۳۹

نگارنده

رتبه‌بندی یا تعیین اولویت نیازهای محلات برحسب شهر اصفهان در این تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن اولویت نیازها از سوی ساکنان محلات محاسبه شده است.

جدول ۴. آزمون فریدمن اولویت‌بندی نیازهای محلات

مقوله‌ها	متوسط رتبه
نیاز به تعاملات اجتماعی	۷/۲۴
نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی	۷/۱۸
نیاز به اقدامات زیربنایی، تأسیساتی	۶/۸۲
نیاز به بهداشت و سلامتی محله	۵/۱۳
مشارکت در اداره محله	۴/۸۶
نیاز به مراکز خرید و امکانات حمل و نقل عمومی	۴/۶۹
نیاز به امنیت	۳/۲۶
نیاز به تعلق به محله	۲/۷۴

نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد در سطح نیازهای کالبدی و اجتماعی در محله، در مجموع، نیازهای زیر برای ساکنان دارای اولویت بوده‌اند: نیاز به تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر و نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی به ترتیب با متوسط رتبه ۷/۳۴ و ۷/۱۸ در صدر قرار داشته‌اند و نیاز به امنیت و احساس تعلق به محله به ترتیب با متوسط رتبه ۴/۲۶ و ۲/۷۴ در رتبه‌های آخر بوده‌اند. بقیه نیازها در سطح بینابینی قرار گرفته‌اند. با نگاهی به اولویت‌بندی ساکنان می‌توان به این نکات اشاره کرد.

پیوندهای اجتماعی میان ساکنان محلات تضعیف شده است.

نیاز به خدمات و امکانات رفاهی چون فرهنگسرا، ورزشگاه، کتابخانه، فضای سبز و پارک از سوی ساکنان به عنوان اولویت دوم مطرح شده است. یکی از دلایل این موضوع وجود روستاهای الحاقی به شهر هستند. از آنجا که اکثر مناطق شهر اصفهان بافت روستایی دارند، طبیعی است تقاضای این نوع از امکانات در میان آنان بالا باشد. از سوی دیگر، باید توجه داشت گرچه در این مناطق باغ‌های کشاورزی و زمین‌های سرسبز وجود دارند، وجود باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی به معنی وجود فضای سبز در این مناطق نیست و کمبود مکان‌های عمومی مثل پارک و ورزشگاه و... در این مناطق به شدت احساس می‌شود.

مشارکت در اداره محله، هرچند در سطح میانی مطرح بوده است، حاکی از پتانسیل جامعه برای شرکت در حل مشکلات محلی است و می‌توان از آن به عنوان موتور محرکه توسعه پایدار بهره گرفت.

احساس امنیت و احساس تعلق به محله در اولویت‌های آخر بوده‌اند. دلایل این مسئله می‌تواند این باشد که بیشتر پاسخ‌گویان بومی اصفهان بوده‌اند و به‌طور میانگین بیشتر از ۱۳/۵ سال در محل زندگی خود سکونت داشته‌اند و اغلب مالک خانه‌های خود بوده‌اند. از سوی دیگر، فرهنگ مردم اصفهان درون‌گرا است، به این معنا که غریبه‌ها به آن راه ندارند و این امر موجب حفظ انسجام محله‌ها شده است. بنابراین، احساس تعلق به محله و احساس امنیت از سوی ساکنان به عنوان اولویت‌های آخر مطرح شده است. به عبارت دیگر، ساکنان کمبود این مقوله‌ها را کمتر احساس کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، توجه به مشکلات و معضلات محلات و برنامه‌ریزی جهت بهبود فضای کالبدی و اجتماعی آن در صدر برنامه‌ریزی‌های کلان‌شهرها قرار گرفته است. از آنجا که بافت محله‌ای شهرها بر اثر دخالت عوامل گوناگون دچار ازهم‌گسیختگی شده است، برنامه‌ریزی‌هایی از نوع توسعه محله‌ای پایدار بر آن است که با احیای هویت محله‌ای بخشی از این آسیب را ترمیم و بازسازی کند. از جمله راهکارهایی که در این نظریه بر آن تأکید می‌شود، برنامه‌ریزی در مقیاس محله است که با بررسی آرا و نظرات ساکنان صورت می‌گیرد. تا به حال، بیشتر برنامه‌ریزی‌ها در سطح شهر اصفهان کلان‌نگر بوده‌اند و به مشکلات مردم در

سطح محلی بی‌توجهی می‌شده است. بنابراین، هدف از این مطالعه آشنایی با دیدگاه‌های مردم ساکن در محلات اصفهان بود تا بر اساس دیدگاه آن‌ها، مسائل و مشکلات محله‌ها در قالب تئوری توسعه محله‌ای پایدار مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. توجه به نیازهای اجتماعی و کالبدی و روابط متقابل بین آن‌ها می‌تواند راه‌های متعدد و گوناگونی را پیش‌روی برنامه‌ریزان قرار دهد. از آنجا که فضای کالبدی می‌تواند به فضای اجتماعی، حیات و سرزندگی آن مدد رساند، افزایش فضای سبز و نوسازی بافت فرسوده محله‌ها به‌ویژه پیاده‌روها، کوچه‌ها و حفظ حریم محله می‌تواند امکان تعامل را در زندگی اجتماعی فراهم کند. از سوی دیگر، توجه به نیازهای اجتماعی محلات و استفاده از پتانسیل‌های موجود انسانی برای درگیر ساختن آنان برای حل مشکلات محلات و ایجاد چسب اجتماعی به منظور تحکیم پیوند میان ساکنان می‌تواند محیطی امن و سالم را برای ساکنان فراهم کند. برنامه‌ریزی بدون توجه به نیازهای کالبدی و اجتماعی اجتماعات محلی موجب صرف هزینه‌های گزاف مالی می‌شود بدون اینکه رضایت عموم مردم را به همراه داشته باشد. گسترش فضاهای عمومی زنده و پویا در سطح محلی، همراه با تقویت نظام همسایگی و تعهد اجتماعی همراه با مشارکت مردم از طریق برنامه‌ریزی درازمدت در سطح محلی امکان‌پذیر است.

منابع

- احترامی، مهرداد (۱۳۸۸) «سازمان اجتماعی پایدار در مقیاس محله‌ای»، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای ۴، تهران: طرح نو.
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۸۸) «مقایسه محله‌های شهری گذشته و امروز»، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای ۲، تهران: طرح نو.
- بیگدلی، مهرناز (۱۳۸۸) «نقش مشارکت‌های مردمی در تحقق مدیریت محله‌ای»، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای ۵، تهران: طرح نو.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۸) «اصول و مفاهیم توسعه پایدار محله‌ای از دیدگاه پدیدارشناختی»، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای ۲، تهران: طرح نو.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴) «امنیت اجتماعی با نگرش محله‌ای»، نامه پژوهش فرهنگی، سال ششم، شماره ۹: ۲۳-۴۱.

تولایی، نوین (۱۳۸۰) فضاهای شهری و روابط اجتماعی - فرهنگی، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

حبیب، فرح (۱۳۸۰) تعامل اجتماعی، فضاهای فرهنگی، پایداری، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری تهران.

خاک‌پور، براتعلی، عزت‌الله مافی و علیرضا باوان پوری (۱۳۸۸) «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه کوی سجادیه مشهد)»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره دوازدهم، بهار و تابستان: ۵۵-۸۱.

خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۰) *شهرهای ایران*، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد: نیکا.

ذکایی، محمدسعید و پیام روشن‌فکر (۱۳۸۳) «رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری»، *مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای*، تهران: طرح نو.

رفیع‌زاده، ندا (۱۳۸۰) بررسی میزان تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکنین محلات در تهران، مطالعه موردی کوی نصرآباد نارمک، تهران پارس و ۳ محله از منطقه ۳۴، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

رفعیان، مجتبی (۱۳۸۰) فضاهای شهری و بازتولید فرهنگی جامعه، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) «نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تأمین امنیت اجتماعی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره دوم، شماره ۳: ۱۴۳-۱۶۴.

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰) مقایسه محله‌های تهران با معیارهای یک محله پایدار از نظریه شهرسازی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

علائی، سوسن (۱۳۸۸) «تشکیل شوراهای محله‌ای راهی برای حل مشکلات شهری»، *مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای پایدار ۵*، تهران: طرح نو.

فهیمی‌زاده، حسین (۱۳۸۰) تهیه طرح‌های اجتماعی، فضایی، روشی در بازسازی پایدار محلات شهری، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

قرایی، فریبا (۱۳۸۰) نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس جامعه محلی (مطالعه میدانی در دو محله شهر تهران)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

محقق، علی و حسن شفیع (۱۳۸۳) «مدیریت محلی و توسعه پایدار محلی شهری»، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای پایدار، تهران: طرح نو.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۳) «رویکردی انسانی به توسعه پایدار محله‌ای»، مجموعه مقالات همایش توسعه پایدار محله‌ای ۲، تهران: طرح نو.

معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اصفهان (۱۳۸۸) طرح بازنگری شهر اصفهان، اصفهان: شهرداری اصفهان.

معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اصفهان (۱۳۸۴) طرح بازنگری شهر اصفهان، اصفهان: شهرداری اصفهان.

معمار، ثریا (۱۳۸۷) بررسی نیازهای کالبدی و اجتماعی محلات مناطق سیزده‌گانه شهر اصفهان، طرح نیازسنجی سازمان رفاهی تفریحی شهرداری اصفهان.

ملاحسنی، حسین (۱۳۸۳) «سرمایه اجتماعی در سطح محله»، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای پایدار، تهران: طرح نو.

موسوی، سیداحمد (۱۳۸۵) برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس.

موسوی، یعقوب (۱۳۸۷) «بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای»، مجله مطالعات اجتماعی ایران (ویژه‌نامه شهر و محله)، دوره دوم، شماره ۲: ۹۹-۱۲۳.

هودستی، هانیه (۱۳۸۴) بهبود ساختاری - فضایی محلات شهری در چهارچوب توسعه پایدار (مطالعه موردی محله جلفای تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

Bacher, Stein and R. S. Benson (1997) *Introduction to Urban Studies* Kendall, Iowa: Hunt Publishing Co.

Choldin, Harvey (1985) *Cities and Suburbs, Introduction to Urban Sociology*. New York: McGraw-Hill.

Kheriabadi, Masaud (1983) *Iranian Cities Formation and Development*, Austin, Texas: University of Texas Press.

- Legate R. and F. Staout (2000) "Modernism and Early Urban Planning 1870-1940" In: *The City Reader*, London: Routledge: 299-313.
- Meltzer (1984) *Metropolis to Metroplex, The Social and Spatial Planning of Cities*, Baltimore, Meryland: John Hopkins University Press.
- Sternberg. s. u. v. (1997) Ten guide line for the planning and development of new Urban Neighbourhood (in: making, H, L lennaid Eds) California press.

Archive of SID